

ششم، محبوبیت در نزد سایر ملت‌ها: «بارها گفتیم، مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گل‌های بهاری است؛ هیچ کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش می‌شود، همه‌جا می‌رود؛ نسیم روح‌افزا و روان‌بخشی است که همه‌جا را به خودی خود می‌گیرد؛ حالا جنجال کنند، دادوبیداد کنند؛ رفته، صادر شده و الان شما در کشورهای گوناگونی ملاحظه کنید؛ این تفکر در لبنان دارد فعالیت می‌کند، در عراق دارد فعالیت می‌کند؛ جوان‌های عراقی حرکت کردند همراه ارتش‌شان شدند توانستند این پیروزی‌ها را به دست بیاورند؛ در سوریه همین‌جور، در غزه همین‌جور، در فلسطین همین‌جور، در یمن همین‌جور، ان‌شاءالله در قدس شریف و برای نجات الاقصی هم همین‌جور.» (۹۳/۹/۶)

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۷۰ / شنبه ۳ شهریور ۱۳۹۷

سوریه مقاوم در آستانه بزرگترین پیروزی منطقه‌ای و بین‌المللی

کیهان: سوریه در آستانه یک تحول سیاسی است. تحول سیاسی آن این است که ارتش سوریه و جبهه مقاومت در حال آماده‌سازی عملیات بزرگ «ادلب» - تنها استان باقی مانده در اشغال تروریست‌های تحت‌الحمايه خارجی - هستند ارتش سوریه طی روزهای اخیر، یگان‌هایی را به سمت مناطق شمال شرقی استان لاذقیه گسیل داشته و در جنوب این استان نیز طرح‌های عملیاتی خود را آماده کرده است. بطور مشخص آمریکا و ترکیه با عملیات آزادسازی ادلب مخالف هستند. آمریکایی‌ها در ماجرای سوریه، شکست بسیار بزرگی متحمل شده‌اند که دارای ابعاد مختلف می‌باشد. آنان طی دو سال اخیر تلاش کردند تا با استفاده ابزاری از کردها، موقعیتی برای خود در سوریه دست و پا کرده و بر تحولات این کشور اثر بگذارند آنان به زودی در ادامه این سیاست و سیاست موافقت با ترکیه به عنوان عضو ناتو گرفتار تناقض شده و در نهایت جانب ترکیه را گرفته و کردها را رها کردند، اما این سیاست هیچ کمکی به آمریکا نکرد چرا که تقویت ترکیه را در پی نداشت و آمریکا و ترکیه را به کانون تحولات سوریه نزدیک نکرد. خیانت آمریکا به کردها سبب نزدیکی آنان به دولت دمشق گردید. هم‌اینک کردها و دولت سوریه در موضعی واحد خواهان اخراج ترکیه و آمریکا از خاک سوریه هستند و مسایل کردها با دولت مرکزی در حال حل و فصل می‌باشد. آمریکا در روزهای گذشته زمزمه خروج از سوریه را مطرح کرد و حتی دونالد ترامپ که همین اردیبهشت ماه به سه نقطه در سوریه حمله نمود، دو روز پیش گفت؛ اساساً سیاست حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا از اول اشتباه بوده است!

نتیجه پرسش چه خواهد بود؟

ایران: در مجموع پرسش‌کنندگان دغدغه اجرای قانون ندارند و لذا از آقای رئیس‌جمهوری برای قانع کردن آنها کاری برنمی‌آید، چون آنان تصمیم خود را گرفته‌اند. از این‌رو پرسش‌کنندگان چاره‌ای ندارند جز آنکه قضایا را از پرسش‌های پنج‌گانه فراتر ببرند و با جار و جنجال مشکل ایجاد کنند و بخواهند با عصبانی کردن رئیس‌جمهوری فضای تشنج در کشور ایجاد نمایند. واقعیت این است که به‌علت حزبی نبودن ساختار سیاسی در ایران و به تبع آن حزبی نبودن مجلس، نمایندگان قدرت بی‌حد و حصر خود را اعمال می‌کنند ولی مسئولیت‌پذیری متناسب با این قدرت ندارند. نمونه روشن آن

نیز همین پرسش از رئیس جمهوری است. آنان پیش از هر پرسشی از دیگران باید سهم خودشان را در وضعیت موجود کشور روشن کنند، اگر قدرت دارند، مسئولیت ناشی از آن قدرت چگونه است و اگر قدرت ندارند، چرا؟ در مجموع به نظر می‌رسد که هدف یا حداقل نتیجه حتمی از پرسش، حل هیچ دغدغه‌ای نیست، جز افزایش تنش و شکاف درون قدرت و این از همه چیز برای جامعه ایران خطرناک‌تر است.

مشکل اقتصاد چیست؟!

وطن امروز: دولتی‌ها و لشکر رسانه‌ای اصلاح طلبان حالا ۵ سال است بر طبل رابطه با غرب برای بهبود اوضاع اقتصاد ملی کوبیده‌اند. اکنون اما چیز شگرفی رخ داده است و لشکر رسانه‌ای اصلاح طلب کم‌کم به این فکر می‌افتند که باید دولت را بابت راهی که خود پیش پایش گذاشته‌اند، هر روز و هر ساعت سرزنش کنند! سعید حجاریان، تئوریسین اصلاح طلبان آنقدر آش را شور دیده که در مصاحبه با شرق بگوید: «اصلاح طلبان بگویند دولت روحانی، دولت ما نیست!» این همه ترس اما معلول چیست و چرا کسی باید از بار کردن کارنامه دولت بر دوش خود اینقدر در هراس باشد؟ مگر نه اینکه همین حجاریان ابتدای سال ۹۳ طی گفت‌وگو با ویژه‌نامه روزنامه اعتماد گفته بود: «اگر اصلاح طلبان نباشند روحانی هم وجود نخواهد داشت». وی در ادامه با بیان اینکه اصلاح طلبان حامی و ستون فقرات برنامه‌های روحانی هستند، تاکید کرده بود: «اگر اصلاح طلبان بشکنند روحانی هم شکسته است». حجاریان بعدها ادبیات خود را مهربانانه‌تر کرده، گفته بود: «اصلاح طلبان حاضرند «دندانه‌های کلید» روحانی باشند» و در عمل هم چنین شد! حالا اما چنان نیست و کسی دوست ندارد به روحانی و دولت وی، حتی نزدیک شود. چنین رویکرد کاسبکارانه‌ای در مواجهه با مسائل ملی، به خصوص در اوضاع اقتصادی فعلی حتماً نه اخلاقی است و نه از دید افکار عمومی پنهان خواهد ماند. علت العلل رفتار متناقض امثال حجاریان اما چیست و برای درمان چنین تدلیس آشکار و بزرگی چه باید کرد؟ پاسخ این است: «تقریباً هیچ!»؛ فرافکنی اصلاح طلبان اساساً با این پیش‌فرض دلخوشانه صورت می‌گیرد که نسبت آنها و افکار عمومی هنوز هم در شرایط پیش‌انتخابات ۹۶ است. این در حالی است که با آشکار شدن شکست ایده مرکزی دولت و دوستان اصلاح طلبش در ۲ سال اخیر، افکار عمومی بخوبی معنای «تدبیر» و «تکرار» را در کنار هم چشیده است!

ترامپ گیت

اعتماد: پرونده‌ای که دونالد ترامپ آن را در ابتدا جدی نمی‌گرفت، اکنون تبدیل به جدی‌ترین تهدید ریاست جمهوری او شده است. به نظر می‌رسد مایکل کوهن در حال تبدیل شدن به پاشنه آشیل دونالد ترامپ است. فردی که رازدار خصوصی‌ترین اسرار دونالد ترامپ محسوب می‌شد و در جریان جزیی‌ترین اتفاقات زندگی دونالد ترامپ قرار داشت، حالا وعده همکاری در همه زمینه‌ها را به بازپرس مولر داده است. او حتی در دادگاه خود پذیرفته است که به دستور یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ پیش از انتخابات به زنانی که او با آنها در ارتباط بوده، حق السکوت پرداخت کرده است. وی تاکید کرد که ترامپ دستور پرداخت این پول را داد تا جلوی تاثیر گذاری این مساله بر انتخابات با

پرداخت این پول گرفته شود. به نوشته نیویورک تایمز اگر ثابت شود، اظهارات کوهن درست است، می توان این اتهام را جرمی جدی برای دونالد ترامپ دانست. به نظر می رسد، دونالد ترامپ بیش از هر زمان دیگری نگران موقعیت خود شده است. او که پیش از این سعی می کرد، صحبتی از استیضاح یا کناره گیری خود به میان نیاورد، اکنون و پس از آنکه مانفورت و کوهن در دادگاه مجرم شناخته شدند، نگران شرایط خود شده است.

ایران ذاتا تحریم پذیر نیست

آرمان امروز: واقعیت این است که به لحاظ عملی و عملیاتی، تحریم ها از نیمه مرداد ۱۳۹۷ شروع شده و این بدان معناست که حداقل ۶ تا ۹ ماه وقت لازم دارد تا آثار واقعی خود را در اقتصاد ایران نشان دهد. این در حالی است که تحریم های اصلی یعنی تحریم خرید نفت و همان طور تحریم بانک مرکزی قرار است از نیمه آبان ماه شروع شود که بدین معناست که اگر قرار بود اقتصاد ایران از تحریم ها آسیب ببیند، باید آثار این تحریم ها از اوایل یا نیمه سال ۱۳۹۸ در اقتصاد ظاهر شود؛ درحالی که ما می دانیم حداقل ۱۸ ماه زودتر مشکلات اقتصادی ایران از اواخر سال ۱۳۹۶ عیان شده است. اگر از منظر مردم به موضوع نگاه کنیم، آنچه در بالا می بینیم یک آشفتگی و یک بی تدبیری در مراکز تصمیم گیری اقتصادی و سیاسی دولت و همان طور نبرد شدیدی بین جناح های سیاسی است. اینجاست که وابستگی اقتصاد ایران به واردات ۵ درصد است و ایران در مجموع یکی از کشورهای منزوی و خودکفای دنیا حساب می شود. به فرض اینکه اگر این ۵ درصد یکباره صفر شود که هنوز نشده، چون میزان واردات کشور اندکی نسبت به سال گذشته کاهش یافته است، یا اگر فرض کنیم که قیمت این واردات یکباره دو برابر می شد، معادل ۵ درصد در کل اقتصاد ایران اثر می گذاشته ولی نه اینکه از پوشک بچه و شیر خشک گرفته تا فولاد و آهن کمیاب شود. علت این ماجرا را در آثار واقعی تحریم نباید جست و جو کرد. این آشفتگی است که باعث می شود مردم از چند دستگی به وحشت می افتند و این آناارشیسمی که وجود دارد و در بین مردم دیده می شود و مردم را نسبت به آینده به شدت نگران می کند. از این رو، این عامل باعث می شود که سرعت انتقال نقدینگی در کشور افزایش یافته و فضا ملتهب شود.

سندرم ایمپاستر اجتماعی

رسالت: به رغم آنکه اقتصاد مقاومتی به میراث مانده از دوران دفاع مقدس (و واقعاً «مقدس») باعث شد که ما لااقل تا آغاز این دولت، جز در مقاطعی، چیزی از این بحران نفهمیم، ولی رقابت های بی رحمانه انتخاباتی کثرت گرا که میراث روشنفکری هفتاد و ششی است، به علاوه مطبوعات و فرهنگ روزنامه نگاری سیاه نمایی آن، و نهایتاً مدیریتی که در این دولت اخیر عمدتاً مردمی و انقلابی نیست، به یک نکوهش وسیع قربانی منجر شده است، طوری که گویی در متن بحران فراگیر اقتصادی جهان، حاد مسئله اقتصادی، تنها مسئله ماست، و از ماست که بر ماست! در صحنه شبکه های اجتماعی، یک نحو خودتحقیرگری بی پایان جریان دارد که در یک افق دید جهانی می توان به آن «سندرم ایمپاستر اجتماعی» (Impostor Syndrome)، یک اختلال است که طی آن افراد موفق، نمی توانند پیشرفت ها و پیروزی های خود را

بپذیرند). اطلاق کرد. کسی مانند دکتر هاشم پسران که در مقیاسی جهانی به اقتصادسنجی مشغول است، سیاست‌های اقتصادی ایران را بحرانی نمی‌بیند، ولی از درون، سیاه‌نمایی مطلق در جریان است. در نتیجه این جو بیمارگون، آن قدر حرافی غیرواقعی تیغ در دست مشغول بریدن ساقه‌های امید است، که انبوهی به سیاق مهران مدیری را مصمم کرده تا ترک محفل مجازی کنند و سر خویش بگیرند و خلاص شوند از این همه سیاه‌پردازی که عمده فایده آن، توقف اراده‌های تاریخ ساز است. از یک دیدگاه اقتصادی، اگر اصل حاد مسئله اقتصادی امروز جهان و ایران، «اشتغال» است؛ مغز و جوهر این اصل، به فراگیری حضور ماشین‌ها و خصوصاً ماشین‌های هوشمند در مشاغلی مربوط می‌شود که پیش از این، انسان‌ها در آن‌ها مستقر می‌شدند. انسان‌ها، با کار کردن در موقعیت‌هایی که امروز توسط ماشین‌ها اشغال شده است، قدرت خرید می‌یافتند که در سایه این قدرت خرید، زنجیره‌وار موقعیت‌های شغلی بعدی زنده می‌شدند و زنده می‌ماندند.

شاهکارهای ارزی دولت

همشهری: روزنامه همشهری، بسته ارزی جدید دولت را شاهکار خواند و خواستار توضیح درباره تخلفات انجام گرفته شد. این روزنامه می‌نویسد: وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: تا پیش از ارائه بسته جدید ارزی، صفوف کیلومتری برای تقاضای ثبت سفارش تشکیل می‌شد اما با بسته جدید ارزی، این روند متوقف شد. محمد شریعتمداری با اشاره به رکورد ۲۵۰ میلیارد دلار ثبت سفارش واردات در ۴ ماه نخست سال، تاکید کرد: بخش قابل ملاحظه‌ای از این تقاضاها با هدف دریافت ارز دولتی ثبت می‌شد. همشهری می‌افزاید: آن قدر فسادزایی بسته اول ارزی بالا بود که حتی منتشر نکردن اسامی دریافت کنندگان ارز نیز نتوانست از آشکار شدن فساد و رانت آن ممانعت کند اما عاقبت با بسته جدید ارزی دولت، تا حد زیادی راه بر این رانت و فساد بسته شد تا دولتمردان بتوانند با خیال راحت از دستاورد خود تعریف و تمجید کنند. البته با بسته جدید ارزی بخشی از فعالان اقتصادی راستین کشور که با ارز دولتی مواد اولیه وارد کرده‌اند، حالا مکلف به پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز دولتی و آزاد شده‌اند و در چنان تنگنایی قرار گرفته‌اند که شاید تنها راهشان خانه‌نشینی و ترک کار باشد. از سوی دیگر، بازار هم که از اول قیمت‌گذاری خود را بر مبنای ارز آزاد قرار داد و با رشد قیمت‌ها مواجه شد حالا با کمبود کالا روبه‌رو شده که بخشی به واسطه توقف تولید و واردات است و بخشی دیگر به دلیل احتکار.

